

طنز کا آصف در رویاهاى حامد کرزى !

" انشأالله که گربه است ! "

یک کشور با تخفیف به فروش می رسد !

آنچه در این بخش مرور خواهید کرد :

درمکشی بر گفتگو میان حامد کرزی و بارک اوبا ما رئیس جمهور ایالات متحده امریکا

۱: برسمیت شناختن استراتژیی امنیتی پاکستان یا « جدایی طالبان و طالبانیزم از القاعده »؟

۲: وقتی درصحنه حق و باطل نیستی هرکجا که بخواهی باش !

قسمت پنجم :



نوشته ای از محمد امین فروتن

در پی انتشار چهارمین قسمت این یادداشت تحت عنوان « نه شیر شتر ونه هم دیدار عرب ! » بود که جلالتمآب حامد کرزی که تازه از سفرگویا " معراج مانند امریکا !! " برگشته بود با همان لباس همیشه گی اش که بصورت فرمائیشی و به امر دیگران بر تن میکند در کنفرانس خبری و مطبوعاتی ی که بیشتر به یک نمائیش کمیدی می ماند و در عقب میز خطبه و سخنرانی آن ، تابلوی بزرگی را نشان میداد که یک رأس آسب یا همان " **آسبی از سفر برگشته ای** " را ترسیم میکرد که گویا یک جسد مومیائی شده بر پودر استخاره را تازه به زمین رسانده است ، با شتاب فراوان حضور یافت ، و در یک خطبه غراً و سخنرانی آتشین خود فضائل و کرامات آن سفر پربرکت را یکا یک بیان فرمودند که این حقیر را نیز وا داشت تا با « عقل ناقص !! » خودم آن سفرنامه مبارکه را خدمت شما خواننده

گان ارجمند و همیشه گی خویش بصورت نقادانه تشریح کنم که از قدیم گفته اند بی نقد هر آنچه هست نسیه است !! اما خوب است تا آنگاهی که این داستان مقدس ! به کهکشانیها را به بررسی و نقد میگیریم ، حکایتی را که از قسمت چهارم باقی مانده بود دنبال کنیم . ما در قسمت قبلی حین نقل قول خاطره ای یکی افسران ارشد افغانی که از همان آغاز بحیث نمائنده افغانستان در ائتلاف جهانی علیه تروریزم حضور داشت نوشتیم که در یکی از روزهای بهاری کابل وقتی بحیث نمائنده افغانستان به یکی از جلسات ائتلاف جهانی ضد تروریزم فرا خوانده شد فرمانده ائتلاف جهانی همان (جان مک کول جنرال انگلیسی) در سخنان خود از تأمین امنیت خودی توسط افغانها صحبت کرد و درسختانش افزود که گویا جامعه جهانی نیز باتوجه به موقعیت حساس و ژوپولتیک افغانستان و تفاهمات نظامی ای که با دیگر همکاران ائتلاف ضد تروریزم در افغانستان بعمل آمده است برخی شرائطی را دارا ایم که از آنجمله شرائط اردو ارتش افغانستان نباید با سلاح سنگین و هواپیماهای جنگی مجهز باشد که به نظر استراتژیست های نظامی در افغانستان بیشتر مخالفان با سلاح های سبک مجهز اند که جنگ با چنین مخالفان نیاز به ارتش نیرومند و مجهز به سلاح های سنگین منجمله هواپیما ها ندارد البته جنرال انگلیسی آقای جان مک کول در پاسخ این اشاره پرسش گونه من که درباره دفاع از تمامیت ارضی کشور افغانستان برعهده کدام نیروها خواهد بود اظهار داشت که ما در تماس های جدی و مستقیم با همکاران ما در ائتلاف جهانی مبارزه با تروریزم درصدد هستیم تا دوستان بین المللی ما با منطق و مسؤلیت بپذیرند که این مسؤلیت بر عهده نیروهای ائتلاف جهانی مبارزه با تروریزم باشد !!

آن افسر میهن پرست ارتش افغانستان وقتی به قرار گاه اش در وزارت دفاع ملی افغانستان برگشت و جریان جلسه همان روز را به وزیر دفاع افغانستان گزارش داد با پاسخ های کاملاً ابلهانه ای وزیر دفاع مواجه شد ، پاسخ های که هیچگاه و در هیچ کجای از جهان معاصر حتی انسان های معمولی ای که هیچگونه سمت و مسؤلیت رسمی نداشته باشند برزبان نه می آورد ، شخصی که بر کرسی وزارت دفاع ملی افغانستان نشانده شده بود در پاسخ به محتوای گزارشی از جلسه همان روز گفتند که چه میکنید ؟ فلانی خان ! وقتی که آنها یعنی « جامعه جهانی شامل درائتلاف ضد تروریزم » میگویند که هر نوع امنیت مملکت ما را می گیرند ، پس ما به طیاره ها و سلاح ثقیله مانند توپ و تانک که از نگهداری آن نیز ناتوان هستیم چه نیازی داریم ؟ حیف صد ها ملیون دالری که از کمک های دنیا برای خریداری طیاره ها و توپ و تانک هزینه کنیم . !

بدون آنکه در پاسخ به وی یعنی وزیر دفاع جمهوری اسلامی افغانستان چیزی بگویم از سمت ام استعفاً دادم و بجایی من فرد دیگری که لابد باید هرآنچه را که « صلاح ملک را خسروان دانند!! » پذیرفته باشند . بله ، و صد البته که اکنون با چشم خود مشاهده میکنیم و با گوشهای مان میشنویم که آن « خسروان بدتر از اغیار!! » چه آشی شوری را بنام مصالح گویا ملی!! برای سرنوشت تاریخی ساکنان این مرزوبوم تهیه دیده است !؟

ومی بینیم که آن ارتش مجهز به سلاح های متناسب با وضعیت عمومی کشور ما افغانستان آرام ، آرام همچون کوه بزرگی از مقاومت مردم این سرزمین در پاهای « استبداد شبه دموکراتیک و مذهبی » آب گشته است .

نباید از آنعه " سیا " سیون و روشنفکران تریاکی نیز غافل شد که هرروز در محفلی و مجلسی گرد هم می آیند و از مواضع گوناگونی از مخالفت های زرگری گرفته تا تائید آمیخته با شعار های متملقانه "

انشأالله که گریه است! " در مدح برنامه های کارتونی مافیای حاکم بر سرنوشت کشور ما افغانستان می سرایند .

طنز کا کا آصف در رویاهای حامد کرزی !

شما لابد برنامه طنزی و کمیدی مشهوری بنام شبخند را از تلویزیون بیست و چهار ساعته کانال یک افغانستان دیده و مشاهده فرموده اید و اگر فرصت برایتان بدست نیامده است تا آن برنامه را مشاهده کنید از تمامی خواننده گان ارجمند این یادداشت تقاضا می کنم که حتماً بر لینک برنامه کلیک نموده و آنرا تا آخر به غور و دقت مشاهده نمایند .

<http://www.youtube.com/watch?v=RjvTLJd37QY>

خواهش میکنم وقتی این کلیپ را به چشم سردیدید و شنیدید سخنان جلالتمآب کرزی رئیس جمهور اسلامی افغانستان!! را نیز که پس از آن سفر پربرکت معنوی و پر منفعت مادی و معنوی به زمین « این کره ای خاکی و آلوده بر اعمال انسان های خلافکار!! » اجلال نزول فرمود و با عجله غرض انتقال محتوای آن پیام به زمینیان با شتاب بینظیری به میز خطابه حضور پیدا کرد که کلیپ آن صحبت ها را نیز خدمت شما عزیزان تقدیم خواهم کرد غرض تشابه ماهویی کلیپ برنامه معروف کا کا آصف را با خطابه جلالتمآب حامد کرزی بالخصوص آنگاهی که از ملاقات اش با آقای سر کوزی Sarközy رئیس جمهور سابق فرانسه حکایت می کند با دقت و هوشمندی کامل نظاره کنند . زیرا وقتی وی از آن با آب و تاب چنین یادآوری می فرماید که « در سفر امریکا بیرق افغانستان در موتر که در آن من میرفتم آویزان بود، سفیر صاحب همراه نشسته بود، بیرق در اهتزاز بود. برایش گفتم که سفیر صاحب، همین را یک عکس بگیر. که گاه گاهی آنرا نگاه کنیم، در فرانسه همراه رئیس جمهور قبلی شان آقای سرکوزی وقتیکه در کنفرانس پاریس رفتیم، مرا به صرف صبحانه در خانه خود دعوت کرد، خانم و طفل وی آمدند و پرسانی کردند و با هم چای خوردیم و بعد از اینکه چای را خلاص کردیم یک لحظه نشستیم همراه یکدیگر صحبت کردیم ، بعداً یکجا در موتر نشستیم که بطرف کنفرانس برویم، این طرف موتر بیرق فرانسه بود. این طرف موتر بیرق افغانستان ، موتر که تیز شد آقای سرکوزی طرف راست خود را هم دید و طرف چپ خود را هم دید. به من گفت بیرق شما بسیار مقبول است. این بیرق را ما رها میکنیم؟ هیچ امکان ندارد. نه بیرق افغانستان که حالا در تمام جهان در اهتزاز است، ...»

http://www.youtube.com/watch?feature=player_embedded&v=boGSRbAIUQ

دوستان ارجمند! تمامی شما لابد داستان سفر به « کوه قاف!! » یعنی زیارت مبارکه « بیت الابيض» حضرت حامد خان کرزی را از زبان مبارکه آنحضرت شنیدید و ملاحظه فرمودید و میدانم که چنین داستان های هزارویکشب را بارها و بارها نه تنها از زبان حضور اعلیحضرت کرزی شنیده اید بلکه اکیداً باوردارم که اکثریتی از شما سروران در برابر این خیمه شب بازی های که بیشتر شباهت به کمیدی معروف کا کا آصف در برنامه معروف شبخند دارند ، با تعجب و شگفت بینظیری نظاره نموده و مُشت گره کرده اید تا پرده از چنین لاف های بی مصرف اعلیحضرت کرزی و حواریون متملق شان بردارید و واقعیت های درد ناک زندگی مردم افغانستان را با ارائه راه حل های پویا، عقلانی و

مسالمت آمیزی که ریشه در گذشته تاریخی و تمدنی این سرزمین داشته باشند نشانه گیری می فرمائید. این حقیرانیز فراموش نکنید که محورهای پراکنده و پارادوکسیال خاطرات سفرکوه قاف جلالتمآب حامد خان کرزی را که نزد اصحاب مطبوعات باامانت حکایه نمود اینگونه نشاندهی کرده ام .

برسمیت شناختن استراتژیی امنیتی پاکستان یا « جدایی طالبان و طالبانیزم از القاعده »؟

حضرت حامد کرزی در برابر سوال حمید اسدی خبرنگار کابل نیوز که با اشاره به اظهارات آقای اوباما در باره مأموریت نیروهای خارجی بویژه سربازان امریکائی پس از سال ۲۰۱۴ میلادی گفته بود که پس از این مأموریت نیروهای امریکایی در افغانستان مبارزه با تروریسم و القاعده میباشد، البته در اینجا یادی از گروه طالبان و گروه های دیگری مخالف مسلح دولت افغانستان نکردند. آیا مبارزه و جنگ با طالبان را تسلیم دولت افغانستان می کند و دولت افغانستان را وادار به جنگ با طالبان میکنند در حالیکه نیروهای افغان هم از تجهیزات بیشتر و قسمی که ضرور است برخوردار نیستند، و یا اینکه میخواهند تا پایان سال ۲۰۱۴ میلادی پروسه صلح را با چالش های دولت افغانستان را با هماهنگی شما بر یک نتیجه مثبت برساند که بعد از سال ۲۰۱۴ دلیل و نیاز به ادامه جنگ با طالبان دیده نشود.

خوب بلی در بحث های ما این مسله مطرح شد و بار بار مطرح شد که امریکایی ها و نیروهای خارجی بعد از سال ۲۰۱۴ جنگی با طالبان ندارند

و این در حقیقت خواسته ما هم بود اگر شما متوجه شده باشید حرف های ما را در این هفت سال گذشته، من متواتر گفته ام که جنگ علیه تروریسم در دهات افغانستان نیست در خانه های مردم افغانستان نیست این به چه معنی این به این معنی که اگر جهان در افغانستان علیه تروریسم به جنگ آمده تروریسم لانه اش، تربیت گاه اش، تمویل گاه اش معلوم است که در کجاست، که افغانستان نیست ولی اگر آمده که با طالبان جنگ کند که عنصر داخلی ما اگر هستند طالبان، پس این مسئله بین دو افغان است اینرا ما باید خود ما فیصله کنیم نه به زور خارجی پس ما از این راضی هستیم از گپ امریکا و تصدیق میکنیم که امریکا علیه طالبان جنگ را بند کرده اگر این جنگ داخلی پس این کار خود ماست و اگر بیرونی است و تروریسم است آنجا برود امریکا جاییکه امریکا از آنجا صدمه دیده کار کند. که آن بیرون از افغانستان است.

همچنان در پروسه صلح ما بسیار مهم است و ضروریست پس پروسه صلح از یک طرف و خواهش مردم افغانستان برای صلح از یک طرف و اینکه این مسله داخلی ما است ما خود ما حل کنیم نه خارجی ها ما در این باره به توافق هستیم و به همین دلیل هم فشار آوردیم که اینها از دهات افغانستان زودتر بیرون برآیند که حالا موافقه کردیم به همراهیشان که از دهات افغانستان بیرون میشوند و رئیس جمهور امریکا خودش هم اینرا در کنفرانس خبری خود اعلان کرد.»

چنانچه قبلاً و بار ها از این قلم مطالعه فرموده اید طالبانیزم به عنوان یک گفتمان ، پدیده ای جدید و متعلق به دوران ما است ، اما ریشه های منفرد و عنصری آنرا میتوان در تاریخ جهان اسلام شناسائی کرد که عناصر و مؤلفه های منفرد و پراکنده گفتمان طالبانیزم در دو وجه مذهبی آن ، در قرون گذشته و در دوران ماقبل مدرن به دلیل اینکه پارادایم واحد سنتی حاکم بر آن دوره ها حدودی را

تعیین میکرد کمتر بحرانزا می شد اما با ورود دوره مدرن ، یا متأثر شدن جوامع دینی از پدیده های فکری ، سیاسی و نهادی مدرنیته حفره های عمیقی را ایجاد کرد که روابط گفتمان طالبانیزم با دیگر گفتمانهای دینی به شدت چالشی و بحرانزا کرده است و درست تبعیت از گفتمان ارسطویی و فلسفه یونان قدیم حاکم بر جهان بینی مذهبی در حوزه حیات سیاسی انسان ها در روش اجرا یا همان عملیه « امر بالمعروف و نهی عن المنکر » همچون « خمر های سرخ مارکسیستی » که قصد داشتند تا نظریه تبعید های دسته جمعی ، قتل عام و کشتار و سرکوب را در کمبوج تحقق می بخشیدند در افغانستان نیز بنام « اجرای احکام شریعت اسلامی » متوصل شدند . پیروان گفتمان طالبانیزم با احساس رسالت دینی ، خویشتن را مکلف میدانند که به هر قیمتی و از هر طریقی ، حتی زور و سرکوب ، دین خدا را در جامعه کنونی حاکم سازند .

جالب و سخت شگفت انگیز است که برای نخستین بار آواز گام های این « خمر های سبز » و مجهز به گفتمان خشونت پرور شبه مذهبی در دهلیز تاریک دکتورین امنیتی و استراتژیک کشوری که بنام «جمهوری اسلامی پاکستان» به مقتضای منافع انگلیس تشکیل گردیده بود شنیده شدند . درست به همین دلیل است که نخست باید جایگاه انسان و جامعه را در گفتمانی که در اواخر قرن بیستم بنام روش خشونت پرور طالبانیزم شهرت یافت تعیین و شناسائی کرد و ثانیاً نقش این تفکر بنیاد گرا را در بستر حوادث و وقایع تاریخی جوامع عقب مانده شبه قاره هند منجمله افغانستان و پاکستان مورد مطالعه قرار دهیم . و دریابیم که روی کدامین دلانیل دینی و عقلانی این گفتمان در تبنانی با شبکه دهشتناک تروریستی القاعده تمدن و فرهنگ ملت مفتخر بر گذشته مانرا منهدم ساخت ؟

ادامه دارد